

## دقایق الشعر و مؤلف آن برپایه تحریری تازه یاب از کتاب

ارحام مرادی\*

نسیم عظیمی پور\*\*

### چکیده

دقایق الشعر از جمله کتاب‌های فارسی در حوزه بلاغت است که در سده هشتم هجری تألیف شده است. این کتاب را پیشتر محمدکاظم امام منتشر کرده است. با بررسی دست‌نویس‌های موجود این کتاب، تحریری تازه از آن یافت شد که حاوی اختلافات و اضافاتی مهم نسبت به صورت چاپی آن است. در این جستار با بررسی تفاوت‌های تبارشناختی دست‌نویس‌های این کتاب و با استفاده از برخی منابع کهن، آگاهی‌هایی تازه در باب مؤلف، مهدی‌الیه و محل تألیف کتاب عرضه می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** بلاغت فارسی، دقایق الشعر، تاج‌الحلوی، تاج‌الحلوی، جمال‌الدین ابوالعز، عزالدین منوچهر، ابوالعزبان، قزوین.

---

\* دانشجوی دکتری ایران‌شناسی دانشگاه ماربورگ moradiarham@gmail.com

\*\* عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی azimipournasim@gmail.com

---

تاریخ دریافت: ۹۱/۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۲/۳/۴

فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، سال ۲۱، شماره ۷۵، پاییز ۱۳۹۲

## مقدمه

دقایق/الشعر یکی از متون مهم بلاغی فارسی پیش از سال ۸۰۰ هجری است که تاکنون به صورت انتقادی تصحیح نشده و هیچ‌گونه بررسی دقیقی درباره آن صورت نگرفته است. دقایق/الشعر در واقع یکی از کتاب‌هایی است که به تقلید از حدیق/السحر رشید و طواط نگاشته شده است. از جمله ارزش‌های این کتاب می‌توان به برخی نگاه‌های بلاغی خاص و تازه در مقایسه با حدیق/السحر و نیز وجود نام و اشعار چند شاعر گمنام و ناشناخته و ابیاتی تازه از بعضی شاعران بی‌دیوان در آن اشاره کرد.

تنها چاپ دقایق/الشعر را محمدکاظم امام در سال ۱۳۴۱ صورت داده است.<sup>۱</sup> متأسفانه چاپ مزبور در کمال بی‌دقتی انجام شده و کتاب پر از اغلاط فاحش، افتادگی‌ها و جابه‌جایی‌هایی است که متن را آشفته و ناکارآمد ساخته است.<sup>۲</sup>

آنچه ضرورت توجه به این متن را دوچندان کرد و ما را بر آن داشت تا به بررسی این کتاب اقدام کنیم، یافتن نسخه‌ای از دقایق/الشعر بود که تحریری تازه و کامل از این کتاب را شامل است. این تحریر نویافته که حاوی اطلاعاتی جدید در باب کتاب، مؤلف و مهدی‌الیه آن است، تاکنون ناشناخته مانده و کسی از آن بهره نبرده است. با پیداشدن آن، اطلاعات ما درباره دقایق/الشعر و مؤلف آن بیشتر می‌شود.

با جست‌وجو در فهرست کتاب‌های خطی توانستیم هشت دست‌نویس از دقایق/الشعر را شناسایی کنیم که دسترسی به تصویر شش نسخه از آن‌ها برای ما میسر شد:<sup>۳</sup>

۱. نسخه شماره ۸۴۵۸ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مورخ ۱۲۵۸ ق.
۲. نسخه شماره ۱۲۸۴۴ کتابخانه آیت‌الله مرعشی قم، مورخ ۸۰۰ ق (؟).
۳. نسخه شماره ۵۱۱ کتابخانه ملی ملک تهران، کتابت سده دهم ق.
۴. نسخه شماره ۱۷۵۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مورخ ۱۲۳۰ ق.
۵. نسخه شماره ۱۲۲۶/ف کتابخانه ملی ایران، مورخ ۱۳۱۲ ق.
۶. نسخه شماره ۴۱۶۱ کتابخانه ایاصوفیای استانبول، مورخ ۸۲۳ ق.<sup>۴</sup>
۷. نسخه شماره ۶۸۷ کتابخانه دانشگاه استانبول، مورخ ۱۰۵۶ ق.
۸. نسخه شماره ۲۸۹ کتابخانه دانشگاه استانبول، مورخ ۱۳۰۷ ق.

از بررسی دست‌نویس‌های دقایق/الشعر به این نتیجه رسیدیم که آن‌ها از سه مادر نسخه منشعب شده‌اند. این نتیجه‌گیری از توجه به اضافات و افتادگی‌ها و اغلاط فاحش مشترک در این نسخ به دست آمد.

**شجره نخست**

نسخه ۱ که در واقع حاوی تحریر تازه کتاب است خود به تنهایی یکی از سه شجره گفته شده است. نسخه مزبور تفاوت‌هایی اساسی با دیگر دست‌نویس‌ها دارد. این تحریر نویافته دقایق الشعر برای نخستین بار است که مورد توجه واقع می‌شود.

این دست‌نویس شامل اضافاتی اصیل است و از قراین موجود در آن دانسته می‌شود که افزوده فردی غیر از مؤلف کتاب نمی‌تواند باشد.<sup>۵</sup> بخش‌هایی از این اضافات مطالب مهمی هستند که اطلاعات ما را در باب خود کتاب، مؤلف آن، ممدوحان او، مهدی‌الیه کتاب و مکان تألیف آن افزایش می‌دهد. این‌گونه اطلاعات تاریخی بیشتر در قسمت‌های تازه دیباچه و انجام کتاب واقع شده‌اند. در مطاوی متن نیز از جد مهدی‌الیه که خود از ممدوحان صاحب کتاب است چندجا یاد شده و اشعاری در مدح او نقل شده است.

از دیگر اضافات این دست‌نویس ابیات اضافه‌ای از اشعار خود مؤلف است که در مقام استشهاد برای برخی صنایع شعری آورده است. این ابیات پیکره کوچکی را که از اشعار مؤلف در اختیار داریم وسعت می‌بخشد.

اختلاف دیگری که این دست‌نویس با دیگر دست‌نویس‌ها دارد انتساب درست اشعار به شاعران واقعی آن‌هاست؛ از جمله اغلاطی که در نسخ شجره دوم وجود دارد انتساب نادرست برخی اشعار مورد استشهاد به شاعرانی غیر از شاعران حقیقی آن اشعار است. این اغلاط در نسخه مزبور موجود نیست و اشعار این نسخه به نام گویندگان واقعی آن‌ها نقل شده است. شایان یادآوری است که این دسته از انتساب‌های نادرست، خود یکی از معیارهای ما در تشخیص نسخ متعلق به شجره دوم بود که در سطور آینده درباره آن‌ها بحث خواهیم کرد.

در چند موضع از نسخه چاپی کتاب و برخی نسخ خطی آن افتادگی‌ها و جابه‌جایی‌هایی به چشم می‌آید. همه این‌گونه مواضع در دست‌نویس ۱ درست و سالم است. مواضع یادشده در آن دسته از نسخ ما را به خویشاوندی و نسبت آن‌ها با هم رهنمون کرد و خود یکی از معیارهای ما در شناسایی شجره‌های مختلف نسخ موجود بود.

در برخی شواهدی که این دست‌نویس برای صنایع گوناگون نقل کرده است، مشاهده شد که وجود برخی ابیاتی که این نسخه نسبت به دست‌نویس‌های دیگر اضافه دارد ضروری بوده و نبود آن ابیات در دیگر نسخ، نقص و افتادگی آن‌ها محسوب می‌شود، یعنی این دسته از اضافات از خود مؤلف است که برای بیان منظورش بسیار ضروری بوده است.

از دیگر تفاوت‌های این دست‌نویس با دیگر نسخ، وجود برخی اختلافات جزئی در تبویب و فصل‌بندی کتاب و ترتیب قرارگرفتن آن‌هاست. این دست‌نویس یکی دو فصل بسیار کوتاه هم نسبت به دست‌نویس‌های دیگر اضافه دارد، از جمله فصل «سهل ممتنع». چنین به نظر می‌رسد که مؤلف پس از تألیف کتاب نسخه‌هایی از آن را منتشر ساخته است، اما سپس‌تر در آن دست برده و مطالبی را بدان افزوده، یک صفحه‌ای به دیباجه‌اش اضافه کرده و آن را به یکی از وزرای زمان خویش تقدیم کرده است.

### شجره دوم

این گروه از نسخ که بنا به دلایلی که بر خواهیم شمرد از یک مادر نسخه منشعب شده‌اند عبارت‌اند از نسخه‌های ۲ و ۳ و ۴ و ۵. این دسته شباهت‌های ساختاری بسیاری به هم دارند و اختلاف آن‌ها تنها در ضبط مفردات است؛ افتادگی‌ها، جابه‌جایی‌ها و برخی اغلاط فاحش که در همه این نسخ به چشم می‌آید ما را بر آن داشت که آن‌ها را از یک شجره بدانیم. گفتنی است چاپ موجود *دقایق‌الشعر* بسیار شبیه به نسخه‌های این شجره است و باید آن را جزء این شجره به شمار آورد.<sup>۶</sup> برای نمونه به برخی موارد مشترک در این دسته که سبب شد آن‌ها را جزء یک شجره واحد بدانیم اشاره می‌شود:

لقب مؤلف کتاب در همه این دست‌نویس‌ها، جز دست‌نویس ۲، که به سبب افتادگی برگ‌های آغازین نام مؤلف در آن دیده نمی‌شود، به صورت «تاج‌الحلاوی» ضبط شده و چنان‌که پس از این خواهیم گفت، صورت درست آن «تاج‌الحلوایی» است. صورت «تاج‌الحلاوی» تنها در نسخ این شجره به چشم می‌آید و در دیگر نسخ کتاب و منابع قدیم دیده نمی‌شود.

در فصل «اغراق فی الصفة» در نسخه‌های ۱ و ۶ بیت‌ی از کمال اسماعیل آمده است

بدین شکل:

از عدل تو چو شانه کند راست چنگ گرگ      بر پشت میش مویی اگر کج کند شبان

در نسخ شجره دوم تنها مصراع اول دیده می‌شود و مصراع دوم از آن‌ها افتاده است. بدیهی است که این افتادگی بیت را ناقص کرده و معنای آن در این صورت مختل است.<sup>۷</sup> در این دسته از نسخ زیر صنعت «مراعات‌النظیر» یک رباعی به نام رشید و طواط آمده با این توضیح:

«... و استاد رشیدالدین و طواط بدین رباعی تفاخر کند که چهار عضو و چهار میوه

نشانده است:

دی فندق مهر تو زبانه بر بست	در خسته دلم چو مغز در پسته نشست
امروز اگر نه خاک پایش باشم	فردا بروم مرا بود باد به دست...

چنان که دیده می شود بیت اول و دوم هیچ ارتباطی با هم ندارند و آشکار است که خلطی صورت گرفته است.<sup>۸</sup> این مشکل از طریق نسخه ۱ و ۶ حل می شود؛ گویا کاتب مادر نسخه شجره دوم، دو رباعی را در هم آمیخته و یک رباعی بی معنا از ترکیب آن دو ساخته است؛ بدین ترتیب که بیت اول از ترکیب مصراع اول بیت اول و مصراع آخر رباعی نخست ساخته شده است و بیت دوم، دومین بیت از رباعی بعدی است. در اصل این دو رباعی اینها هستند:

دی فندق مهر تو زبانه بر بست	بار غم تو چو گوز پشتم بشکست
هر تیر که از چشم چو بادام تو جست	در خسته دلم چو مغز در پسته نشست

\*\*\*

آتش رویی بریر در ما پیوست	دی آب رخم ببرد و عهدم بشکست
امروز اگر نه خاک پایش باشم	فردا بروم مرا بود باد به دست

از اغلاط فاحش مشترک دیگری که در نسخ این شجره دیده می شود مربوط است به دو فصل «تأکید المدح بما یشبه الذم» و «تأکید الذم بما یشبه المدح» که تعریف این دو صنعت در این نسخ جابه جا شده است؛ یعنی تعریف اولی برای دومی و تعریف دومی برای اولی آمده است.

در انجامة هر چهار نسخه این خانواده از نسخ و چاپ دانشگاه، نام کتاب به اشتباه به صورت دقایق/الشعار ضبط شده، در صورتی که در دیباچه آن در تمام نسخ، نام کتاب به صورت دقایق/الشعر آمده است. حاجی خلیفه هم در کشف/الظنون نام کتاب را دقایق/الشعر دانسته است (حاجی خلیفه، ۱۳۶۰: ۷۵۸).

### شجره سوم

نسخه ۶ به سبب بعضی صورت های ساختاری خاص خود از مادر نسخه ای متفاوت با مادر نسخه های دو شجره پیشین منشعب شده است. در توضیح این امر باید گفت که دست نویس ۶ نسخه ای است بینابین دست نویس ۱ و دست نویس های شجره دوم؛ یعنی در بسیاری موارد به لحاظ ساختاری و ضبطی شبیه نسخ شجره دوم است و در عین حال بسیاری از بخش های اضافی نسخه ۱ را نیز داراست. چنین می نماید که کاتب مادر نسخه این دست نویس یا کاتب خود آن، هم دست نویسی از شجره نخست و هم نسخه ای از شجره دوم در اختیار داشته و با درهم آمیختن آن دو، نسخه ای جدید ساخته که با دیگر نسخه ها در یک گروه جا نمی گیرد. البته باید افزود جدا از موارد گفته شده در باب این دست نویس،

برخی تفاوت‌های مختصر از لحاظ ترتیب قرارگرفتن ابواب و فصول نسبت به دیگر نسخ نیز در این نسخه به چشم می‌آید.

در تمام نسخ کتاب جز نسخه ۱ و نسخه ۶ لقب مؤلف به همان صورتی که در نسخه چاپی هم آمده ضبط شده است یعنی «تاج‌الحلوی».

با توجه به آنچه در باب تبارشناسی دست‌نویس‌های *دقایق‌الشعر* گفته شد، تمام نسخه‌ها شامل صورت «تاج‌الحلوی» متعلق به شجره دوم هستند و حتماً در مادر نسخه آن‌ها لقب مؤلف به همان صورت «تاج‌الحلوی» ضبط شده بوده که این صورت به تمام این نسخه‌ها نیز وارد شده است.

بنا به دلایلی که در زیر ارائه می‌شود ظاهراً نام مؤلف به صورت «تاج‌الحلوی» موجود در نسخ مذکور در بین دیگر ادبا و نویسندگان قدیم شناخته‌شده نبوده است، بلکه او را به نام «تاج‌الحوایی» یا «تاج‌الدین حلوایی» می‌شناخته‌اند:

در دست‌نویس ۱ (گ ۱پ) و دست‌نویس ۶ (گ ۱پ) نام مؤلف به صورت «علی بن محمد المشتهر بتاج الحلوائی/حلوایی» آمده است. چنان‌که معلوم است، صورت «حلوایی» در دو شجره از نسخ کتاب دیده می‌شود. به علاوه، این صورت با کمک منابع کهن دیگر نیز تأیید می‌گردد:

نسخه‌ای از کتاب معتقد اثر ابواسحاق ابراهیم بن محمد اسفراینی به خط پسر صاحب *دقایق‌الشعر* موجود است که در سال ۷۸۹ق نوشته شده است. میکروفیلمی از آن به شماره ۶۲۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است (دانش پژوه، ۱۳۴۸: ۵۱۵). این متن را علی محدث براساس همین دست‌نویس جزء مجموعه‌ای از رسالات در سوئد به چاپ رسانده است (اسفراینی، ۲۰۰۸: ۱۵۱-۱۶۳). انجامه این نسخه چنین است:

کرد و کار بود و الله تعالی علمه، تم الربیع النبوه تعالی و حسن توفیق  
 علی الضعیف النحیف شهاب ابن تاج الحلوایی  
 القزوی فی المجلد الثانی من نسخ  
 و تأیید و تصحیح الجدید النبوه المصطفوی

چنان‌که در تصویر دیده می‌شود، عبارت انجامه از این قرار است: «تم الرساله بحمدالله تعالی و حسن توفیقه علی ید الضعیف النحیف شهاب ابن تاج‌الحلوایی القزوی فی الخامس

والعشر [این] من جمادی الثانی لسنه تسع و ثمانین و سبعمایه الهجریه النبویه المصطفویه». براساس این انجمله نیز صورت «تاج الحلوی» تأیید می‌شود.

در *انیس العشاق* شرف رامی تبریزی که بین سال‌های ۷۶۰ق تا ۷۷۶ق تألیف شده (کیانی، ۱۳۷۶: ۲۷-۲۸) بیتی از صاحب *دقایق الشعر* نقل شده است با عنوان «تاج‌الدین حلوی» (شرف‌الدین رامی، ۱۳۷۶: ۶۶). علاوه بر متن چاپی *انیس العشاق*، به یکی از نسخ قدیمی آن نیز مراجعه شد؛ در این دست‌نویس نیز نسب او به همان صورت «حلوی» ضبط شده است (*انیس العشاق*، دست‌نویس مرعشی: گ ۲۷).

در *جنگ اسکندری* که در سال‌های ۸۱۳-۸۱۴ق برای اسکندرمیرزا تیموری در شیراز تدوین و کتابت شده است، شعری از شاعری با نام تاج‌الحلوی دیده می‌شود که باید همان صاحب *دقایق الشعر* باشد (جنگ اسکندری، دست‌نویس کتابخانه بریتانیا: گ ۱۴۰پ).

در *بدایع الافکار فی صنایع الاشعار* واعظ کاشفی، تألیف‌شده در سده نهم هجری، شعری از صاحب *دقایق الشعر* نقل شده که در خود *دقایق الشعر* نیز به نام مؤلف آمده است (تاج‌الحلوی، ۱۳۴۱: ۵۱)؛ از این شعر معلوم می‌شود که واعظ کاشفی در تألیف کتاب خود *دقایق الشعر* را در اختیار داشته است. در *بدایع الافکار* نام صاحب *دقایق الشعر* چنین ضبط شده است: «تاج‌الدین حلوی» (واعظ کاشفی: ۱۳۶۹: ۱۲۵؛ نیز نک: واعظ کاشفی، ۱۹۷۷: ۸۶).

در *کشف‌الظنون* (تألیف حدود ۱۰۵۰ق) ذیل *دقایق الشعر* چنین آمده: «دقائق الشعر: فارسی علی نمط حدائق السحر لعلی ابن محمد الشهیر بتاج‌الحلوانی» (حاجی خلیفه، ۱۳۶۰: ۷۵۸).

می‌بینیم که حاجی خلیفه (۱۰۱۷-۱۰۶۷ق) نام صاحب *دقایق الشعر* را «تاج‌الحلوانی» ضبط کرده است و نه «تاج‌الحلوی». این صورت «تاج‌الحلوانی» که حاجی خلیفه ضبط کرده و به تنهایی هیچ اساس و پایه‌ای ندارد، بی‌گمان صورت تصحیف‌شده «تاج‌الحلوانی» است که در واقع همزه به نون بدل شده است. ضبط صاحب *کشف‌الظنون* خود تأیید دیگری است بر صورت «تاج‌الحلوانی». البته این احتمال نیز وجود دارد که حاجی خلیفه هم به صورت تاج‌الحلوانی ضبط کرده بوده، اما کاتبان بعدی *کشف‌الظنون* به اشتباه حلوانی را حلوانی خوانده و کتابت کرده‌اند.

با توجه به موارد گفته‌شده تردیدی باقی نمی‌ماند که صورت درست‌تر نام صاحب *دقایق الشعر* «تاج‌الحلوانی» است. البته گفتنی است که نسبت «حلوی» در نام برخی اشخاص دیگر نیز وجود دارد و نیز با توجه به شباهت معنایی دو واژه «حلوانی» و «حلوی»

نمی‌توان آن را لزوماً غلط کتابتی دانست، اما با توجه به دلایلی که عرضه شد آنچه مسلم است صورت «حلوایی» برای لقب صاحب *دقایق/الشعر* صورت اصیل تر و درست تر است. از یکی از اشعار حلوایی که در *دقایق/الشعر* آمده (نسخه ۱: گ ۲۱-۲۱پ) درمی‌یابیم که تخلص او در شعر «تاج» بوده است؛ او در زیر صنعت ایهام این شعر را به نام خود آورده است: «جامع کتاب گوید در مدح صاحب سعید، عزالدین منوچهر-جعل الله الجنة المأواه-

شاه اقلیم جلالی بو که بپذیری مرا	زانکه بی شک تاج را باشند شاهان خواستار
تا مرا خوانند شاهان مادح صاحب قبول	تا تو را گویند اعیان شهریار تاج دار
بس که شعر خود به القابت تخلص می‌کنم	که منوچهریم خواند گاه عزای روزگار»

از این ابیات دانسته می‌شود که تخلص او «تاج» بوده است.

در بیت پایانی غزلی از او که در *جنگ/اسکندری* (گ ۲۴۴ر) با عنوان «مولانا تاج‌الدین حلوایی» نقل شده، تخلص او به صورت «تاجی» دیده می‌شود:

راز تاجی گشته در هر مجلسی روشن چو شمع      پرتو رخسار زرد و چشم گریان این کند

در *عرفات/العاشقین* از شاعری با تخلص «تاج» یاد شده و شعری هم از او نقل شده است (اوحدی بلیانی، ۲/۱۳۸۹: ۸۵۸). با توجه به تخلص تاج این امکان وجود دارد که او همان تاج‌الدین حلوایی صاحب *دقایق/الشعر* باشد. البته فعلاً در این باب نمی‌توان نظر قطعی داد.

اینکه بعضی تاج حلوایی را همان تاج رومی دانسته‌اند (امام، ۱۳۴۱: سه؛ کیانی، ۱۳۷۶: ۲۳۳) درست نمی‌نماید، چراکه اولاً چنان که گفته شد تاج‌الدین حلوایی در شعر، «تاج» و «تاجی» تخلص می‌کرده، اما تخلص تاج رومی «رومی» بوده است (اوحدی بلیانی، ۲/۱۳۸۹: ۸۵۷). دیگر اینکه در *جنگ/اسکندری* که در ۸۱۳-۸۱۴ ق در زمانی تقریباً نزدیک به عصر حیات تاج حلوایی تدوین شده است، علاوه بر «تاج‌الحلوایی» (گ ۲۴۴ر) از «تاج‌الدین رومی» نیز جداگانه شعر نقل شده است (گ ۲۵۰ر).<sup>۹</sup> چنان که گفته شد، مؤلف پسری داشته به نام شهاب و احتمالاً او به شغل کتابت اشتغال داشته است.

محمد کاظم امام در مقدمه *دقایق/الشعر* با توجه به چند دلیل سست، مؤلف را از اهالی آسیای صغیر و محل تألیف کتاب را نیز همان سرزمین دانسته است؛ از جمله چنین استدلال کرده:

...و به علاوه فارسی دانان و شعرای فارسی‌سرای آسیای صغیر همگی از فرقه درویش و پیروان مکتب عرفانی قونیه بوده‌اند و این تاج‌الحلاوی در این کتاب خود را درویش معرفی می‌کند و به دارا بودن اخلاق درویش فخریه و مباحث می‌نماید، چنان که در باب «مسخ» که



شاعری معنی را به وجهی لطیف استعمال کرده و شاعر فرومایه‌ای آن معنی را بگیرد و به وجهی قبیح استعمال کند. گوید: ...مثال هریک نمودن موجب فضیحت است و پرده خواهران خود دریدن ناجوانمردی باشد و جهانیان دانند که خبث و بدسیرتی و ایداه از اخلاق و افعال این درویش نیست... (امام، ۱۳۴۱: سه مقدمه).

چنان که دیده شد، دلایل محمدکاظم امام در انتساب تاج حلوایی به آسیای صغیر به هیچ‌روی قانع‌کننده نیست. عقیده ما بر آن است که تاج حلوایی از اهالی قزوین بوده و کتابش را نیز در همان جا تألیف کرده است. دلایلی که می‌توان برای این امر ارائه کرد از این قرار است:

چنان که پیش از این گفته شد، نسخه‌ای به خط پسر تاج حلوایی در اختیار داریم که او در انجمنه، خود را چنین معرفی کرده است: شهاب بن تاج‌الحلوی قزوینی. وقتی پسر تاج حلوایی خود را به قزوین منسوب کرده است، حتماً پدرش نیز از اهالی همان شهر بوده است. البته این تنها دلیل ما برای قزوینی‌بودن تاج‌الحلوی نیست.

از طریق تحریر تازه یاب *دقایق الشعر* (نسخه ۱) دانسته می‌شود که تاج حلوایی کتابش را به شخصی به نام جمال‌الدین ابوالعز تقدیم کرده است (نسخه ۱: گ ۲؛ گ آخر). با جست‌وجو در منابع تاریخی توانستیم اطلاعی از او به دست آوریم. او باید یکی از افراد خاندان ابوالعزیزان قزوین باشد که به قضویان نیز اشتهار داشته‌اند. این خاندان در قزوین صاحب منصب بوده‌اند. حمدالله مستوفی که خود اهل قزوین بوده است در *تاریخ گزیده درباره این خاندان* چنین آورده است:

قضویان: جدشان فخرالدین فخرآور در دیوان قضا وکالت کردی، بدین سبب ایشان را قضوی خوانند. پسرش عزالدین ابوالعز هوس کار دیوان کردی؛ پدر جدّم امین‌الدین نصرمستوفی او را ارشاد کرد و به خدمتکاری امیر آیت‌گمش مملوک اتابک محمد بن ایلدگز درآورد و چون او از قبل خوارزمشاه حاکم عراق شد عزالدین ابوالعز از نیابت او نعمتی وافر حاصل کرد، املاک و اسباب خرید. آن قوم را نسبت بدو ابوالعزیزان نیز خوانند. نبیره او عمادالدین عمر پیش امیر بوقا نایب بود؛ به وقت آنکه خلیفه بر دست مغول شهید شد و امیر بوقا امارت بغداد یافت عمادالدین عمر در اجراء خیرات و رفع رسوم ناپسندیده سعی بلیغ نمود، بدین سبب در بغداد نامش بلند شد و بغدادیان او را ثالث‌العمرین خواندند. قوم ایشان مردمی صاحب جاه و مال‌اند و تا بزرگی بدیشان رسیده از نعمتی که داشتند هیچ نقصان نپذیرفت [بلکه در تزیید بود] در این عهد از ایشان صاحب مرحوم عزالدین منوچهر بن جمال‌الدین امیر علی بن صدرالدین محمد بن عزالدین ابوالعز بن فخرآور صاحب جاه و

مال بود و در کسب و جذب دنیاوی رایب صائب داشت و در حفظ آن جدی بغایت (حمدالله مستوفی، ۱۳۶۲: ۸۰۹).

این عزالدین منوچهر که مستوفی نام او را برده، باید همان کسی باشد که تاج حلوایی چندبار در مطاوی کتاب خود از او با عنوان جدّ ممدوح خود، یعنی جمال‌الدین ابوالعز، یاد کرده است (نسخه ۱: گ ۲۱). در ضمن از کلام تاج‌الحلوایی چنین دانسته می‌شود که این فرد یعنی عزالدین منوچهر، خود نیز ممدوح او بوده و تاج حلوایی قصایدی در مدح او داشته که پاره‌ای از آن‌ها را در *دقایق‌الشعر* نقل کرده است (همان: گ ۶).

اطلاع دیگری که توانستیم درباره جمال‌الدین ابوالعز قزوینی به دست آوریم حکایتی است که خواجه عمادالدین محمود گاوآن گیلانی (۸۰۸ - ۸۸۶ق) صاحب کتاب *مناظرالانشاء* درباب او نقل کرده است:

... چنان که جمال‌الدین ابوعز قزوینی<sup>۱۰</sup> در وقتی که او را جهت ضبط امور مالی به قزوین فرستادند و خواجه امام‌الدین را فوایح گلزار فضایل به مشام ذات نرسیده بود و ذائقه حیاتش از مائده کمال هیچ نچشیده، خواجه جمال‌الدین مذکور به وزیر سلطان این دو بیت می‌نوشت:

بنده و قزوین، امام‌الدین و آذربایجان      این سویت را نگه کن باز و این قسمت بسین  
گر مناصب را به استحقاق دادندی به کس      بنده در تبریز بایستی و او در درگزین

وزیر مذکور، خواجه جمال‌الدین مذکور را به تبریز فرستاد (خواجه عمادالدین محمود گاوآن، ۱۳۸۱: ۲۲۲-۲۲۳).

اگر شخص مذکور در این حکایت همان جمال‌الدین ابوالعز مورد نظر ما باشد، احتمالاً علاوه بر قزوین مدتی هم در تبریز منصبی داشته است.<sup>۱۱</sup> همچنین به این سبب که شعری به زبان قزوینی در *دقایق‌الشعر* (۱۳۴۱: ۱۱) نقل شده است، قزوینی بودن مؤلف آن بارزتر می‌شود.

### نتیجه‌گیری

در این جستار نشان دادیم که دست‌نویس‌های شناسایی شده از *دقایق‌الشعر* در سه گروه قابل طبقه‌بندی هستند که یکی از آن‌ها را می‌توان تحریر تازه‌ای از این کتاب به شمار آورد. این تحریر نویافته علاوه بر اختلافات مهمی که با صورت چاپی *دقایق‌الشعر* دارد، شامل اضافاتی است که به کمک منابع دیگر آشکار می‌کند که اولاً صورت درست لقب مؤلف کتاب تاج‌الحلوایی است نه تاج‌الحلاوی. دوم اینکه مؤلف اهل قزوین بوده نه آسیای صغیر، آن‌چنان که تاکنون تصور شده است. دیگر اینکه برای نخستین بار مشخص شده که مؤلف از

ارادتمندان و مادحان دو تن از خاندان ابوالعزیزان (قضویان) قزوین به نام‌های جمال‌الدین ابوالعز و جدّ او عزالدین منوچهر بوده است، و دقایق الشعر را به همین جمال‌الدین ابوالعز تقدیم کرده است.

### پی‌نوشت

۱. دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۳ به مناسبت هفتادمین سال تأسیس خود، دقایق الشعر را در مجموعه هفتادگنج به شیوه افست چاپ مجدد کرد. در این چاپ مجدد، غلطنامه‌ای که در انتهای چاپ اول کتاب قرار داده شده بود لحاظ نشده، یعنی نه آن غلطنامه را چاپ کرده و نه در متن اعمال کرده‌اند و این بی‌دقتی دانشگاه تهران سبب شده تا غلط‌های بسیار دیگری در کنار صدها غلط موجود در کتاب قرار گیرد.
۲. غلط‌خوانی‌ها، جابه‌جایی‌های نابه‌جا، افتادگی‌های مخلّ متن، استدلال‌های نادرست درباره مؤلف و مکان تألیف در مقدمه کتاب، روشمندی‌نویدن تصحیح متن، معرفی نکردن نسخ مورد استفاده، عدم ذکر نسخه‌بدل‌های متن، برخی تعلیقه‌های نادرست و... از جمله ایرادهای چاپ محمدکاظم امام است.
۳. از دو نسخه دانشگاه استانبول (۷ و ۸) نتوانستیم عکسی به دست آوریم و اطلاعات ما از این دو نسخه برگرفته از فهرست نسخ خطی کتابخانه دانشگاه استانبول است (نک: سبحانی و آق‌سو، ۱۳۷۴: ۱۴۳ و ۳۱۰).
۴. این دست‌نویس اکنون در کتابخانه سلیمانیّه استانبول نگهداری می‌شود.
۵. بررسی مفصل اختلافات و اضافات و ذکر جزئیات را به جستاری دیگر موكول می‌کنیم.
۶. محمدکاظم امام در دقایق الشعر اشاره‌ای به نسخه یا نسخه‌های مورد استفاده خود نکرده، اما در تعلیقات حقایق الحدائق در پانویس، به نسخه خطی خود از دقایق الشعر ارجاع داده است (امام، ۱۳۴۱: ۱۹۲). شناسایی نسخه مورد اشاره برای ما میسر نشد.
۷. در چاپ دقایق الشعر که قطعاً براساس یکی از این گونه نسخ تهیه شده است همین تک‌مصراع هم به صورت مغلوط ضبط شده و خارج از وزن است (تاج‌الحلوی، ۱۳۴۱: ۴۳). محمدکاظم امام در پانویس همان صفحه چنین نوشته است: «کذا این عبارت معلوم نیست مصراعی است یا بیتی تمام بوده به هر حال به قدر جای یک مصراع یا نیم سطر سفید و نانویس است» (همانجا).
۸. محمدکاظم امام هم گویا متوجه این خلط شده بوده و در پایان رباعی، یک «کذا» افزوده است (همان: ۵۳).
۹. سه بیتی که از تاج‌الدین رومی در جنگ اسکندری مذکور است در عرفات‌العاشقین نیز به نام همو دیده می‌شود.
۱۰. در متن: الغزنوی؛ با توجه به نسخه‌بدل‌ها به قزوینی تصحیح شد.
۱۱. در مباحثه‌نامه‌ای از سده نهم هجری، ذکری از اقرارنامه‌ای مربوط به سال ۷۹۷ق رفته بدین مضمون که جمال‌الدین علی ابوالعزّی قریه‌ای را که از پدرش به ارث برده بوده، میان فرزندان خود تقسیم کرده است

(شیخ‌الحکمایی، ۱۳۹۰: ۱۹۰). اگر این شخص، جمال‌الدین مورد نظر ما نباشد، مسلماً از همان خاندان ابوالعزیزان قزوین است.

### منابع

اسفراینی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد. معتقد. میکروفیلم شماره ۶۲۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

\_\_\_\_\_ (۲۰۰۸م) چاپ شده در: بیست متن فلسفی—عرفانی. به کوشش علی محدث. سوئد: دانشگاه اوسلا.

امام، سیدمحمدکاظم (۱۳۴۱) مقدمه دقایق‌الشعر. تهران: دانشگاه تهران.

\_\_\_\_\_ (۱۳۴۱) تعلیقات حقایق‌الحدائق شرف‌الدین رامی تبریزی. تهران: دانشگاه تهران.

اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد (۱۳۸۹) تذکره عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین. به کوشش ذبیح‌الله صاحبکاری. آمنه فخر احمد. با نظارت علمی محمد قهرمان. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب با همکاری کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

تاج‌الحلاوی، علی‌بن محمد (۱۳۴۱) دقایق‌الشعر. به کوشش سیدمحمدکاظم امام. تهران: دانشگاه تهران.

جنگ اسکندری، دست‌نویس شماره Add.27261 موزه بریتانیا. مورخ ۸۱۳-۸۱۴ق.

حاجی خلیفه (۱۹۴۱م/۱۳۶۰ق) کشف‌الظنون عن اسامی الکتب و الفنون (ج ۱). به کوشش محمد شرف‌الدین. استانبول.

حمدالله مستوفی (۱۳۶۲) تاریخ‌گزیده. به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر.

خواجه عمادالدین محمود گاو (۱۳۸۱) مناظرالانشاء. تصحیح معصومه معدن‌کن، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۸) فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. تهران: دانشگاه تهران.

سبحانی، توفیق و حسام‌الدین آق‌سو (۱۳۷۴) فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

شرف‌الدین رامی تبریزی (بی‌تا) انیس‌العشاق. دست‌نویس کتابخانه آیت‌الله مرعشی قم. مجموعه شماره ۱۲۸۴۴. مورخ ۸۰۰ق (؟)

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۶) انیس‌العشاق. به کوشش محسن کیانی. تهران: روزنه.

شیخ‌الحکمایی، عمادالدین (۱۳۹۰) «خاندان‌های حسنی و ابوالعزیز قزوین در مباحثه‌نامه مورخ ۸۲۷ هجری قمری». اسناد بهارستان. سال اول. شماره دوم: ۱۸۹-۲۰۵.

کیانی، محسن (۱۳۷۶) مقدمه و تعلیقات انیس‌العشاق. تهران: روزنه.

---

دقایق الشعر و مؤلفان بر پایه تحریری تازه یاب از کتاب، صص ۹۷-۱۰۹ ۱۰۹  
واعظ کاشفی (۱۹۷۷) بدایع الافکار فی صنایع الاشعار (چاپ عکسی). به کوشش رحیم مسلمانقلف.  
مسکو.  
واعظ کاشفی (۱۳۶۹) بدایع الافکار فی صنایع الاشعار. به کوشش میرجلال الدین کزازی. تهران: مرکز.